



وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

پیگیری موضوع از سوی رئیس قوه مجریه به صورت مستمر انجام و جلسات هفتگی برای تسریع روند کار تشکیل می‌شود.

برای درک اهمیت موضوع، باید مفهوم «گازهای همراه» به درستی شناخته شود. هنگامی که نفت استخراج می‌شود، گازهایی از دل مخزن به همراه آن خارج می‌شوند که ترکیبی از هیدروکربن‌های سبک و از شمدن هستند. در گذشته، نبود تجهیزات لازم برای استحصال، ذخیره و انتقال این گازها موجب می‌شد آنها در فلرها سوزانده شوند. اگرچه این روش در دهه‌های گذشته رایج بود، اما امروزه هیچ توجیه اقتصادی، فنی یا زیست‌محیطی ندارد، زیرا فناوری‌های لازم برای جمع‌آوری، شیرین‌سازی و استفاده اقتصادی از این گازها در اختیار بیشتر کشورهای تولیدکننده نفت قرار گرفته است. ایران ما نیز از این قاعده مستثنی نیست و توان مهندسی داخلی سال‌هاست قابلیت‌انجام چنین پروژه‌هایی را دارد.

فرصت‌سوزی ناشی از فرارینگ از دست رفتن مواد اولیه‌ای است که می‌تواند خوراک صنایع پتروشیمی، تولید برق، تولید سوخت‌های بارزش یا حتی صادرات مستقیم باشد. ارزش سالانه این گازهای سوزانده‌شده در شرایط اقتصادی فعلی کشور می‌تواند نقش مهمی در افزایش درآمدهای ارزی و کاهش فشار بر بودجه عمومی ایفا کند. بسیاری از کشورها با میزان منابعی کمتر از این رقم، زیرساخت‌های گسترده‌ای در حوزه انرژی ایجاد می‌کنند، در حالی که ایران این سرمایه را عملاً بدون استفاده به هوا می‌فرستد، بنابراین جمع‌آوری گازهای فلر یک اقدام اقتصادی راهبردی برای تقویت بنیه مالی کشور است.

ابعد زیست‌محیطی ماجرا نیز اهمیت کمتری ندارد. فرارینگ حجم قابل توجهی از گازهای گلخانه‌ای و آلاینده‌های مخرب وارد جو می‌کند که سلامت ساکنان مناطق اطراف را تهدید می‌کنند و آثار بلندمدت آنها بر خاک، آب، پوشش گیاهی و حیات‌جانوری منطقه آشکار است، حتی اگر تمام انگیزه‌های اقتصادی نادیده گرفته شود، ضرورت حفاظت از محیط زیست و سلامت مردم به تنهایی کافی است تا پروژه جمع‌آوری فلرها در اولویت نخست قرار گیرد. بسیاری از مناطق جنوب کشور سال‌هاست بار آلاینده‌ی صنایع نفتی را تحمل کرده‌اند و انتظار دارند برنامه‌های اصلاحی، نتایج ملموس‌تری داشته باشد.

اما چرا با وجود این همه ضرورت، موضوع به سرانجام نهای نرسیده است؟ پاسخ این پرسش را باید در چند عامل از پیچیدگی‌های فنی تا دشواری‌های مالی و مدیریتی جست‌وجو کرد. پروژه‌های جمع‌آوری فلرها با شبکه‌ای گسترده از خطوط جمع‌آوری، واحدهای شیرین‌سازی، ایستگاه‌های تقویت فشار و زیرساخت‌های انتقال نیاز دارند. برخی میدان‌ها در مناطق پراکنده و با حجم تولید متفاوت قرار دارند و طراحی یک واحد برای همه آنها ممکن نیست. علاوه بر این، توسعه این زیرساخت‌ها سرمایه اولیه قابل توجهی نیاز دارد و در سال‌های گذشته، محدودیت‌های مالی مانع پیشرفت یکنواخت پروژه‌ها شده است، با این حال ظرفیت شرکت‌های داخلی در اجرای پروژه‌های بزرگ انرژی می‌تواند این موانع را برنام‌ریزی دقیق قابل عبور است.

یکی از نکات کلیدی در موفقیت این طرح، شکل دهی به یک الگوی اقتصادی پایدار است. طرح‌های جمع‌آوری فلر معمولاً با مشارکت شرکت‌های خصوصی اجرا می‌شوند و بخش خصوصی با بهره‌گیری از سازوکارهای تضمین خرید، دوره بازگشت سرمایه را قابل پیش‌بینی می‌کند. در کشورمان نیز اگر سازوکاری مشخص برای تضمین خرید گاز جمع‌آوری، تعیین قیمت متصفانه و فراهم کردن زمینه مشارکت بخش خصوصی طراحی شود، انگیزه لازم برای ورود سرمایه‌گذاران به این حوزه ایجاد خواهد شد. این الگو علاوه بر کاهش فشار مالی از دوش دولت، اجرای پروژه را سریع‌تر و کارآمدتر می‌کند.

در کنار جنبه‌های اقتصادی و مدیریتی، توجه به بعد علمی و تخصصی پروژه اهمیت ویژه دارد. کشور در حوزه مهندسی نفت، شیمی، مکانیک، کنترل فرایند و طراحی واحدهای گازی دارای نیروهای مجرب و دانشگاه‌های توانمند است. شرکت‌های دانش‌بنیان نیز در سال‌های اخیر پیشرفت‌های قابل توجهی در تولید تجهیزات مرتبط با اندازه‌گیری گاز، شیرهای کنترلی، کمپرسورها، سیستم‌های مشعل خاموش‌کن و نرم‌افزارهای پایش لحظه‌ای داشته‌اند. این ظرفیت علمی می‌تواند پشتوانه‌ای مطمئن برای اجرای یک پروژه ملی گسترده باشد، به‌ویژه آنکه تنبیه بر توان داخلی، آثار توسعه‌ای بلندمدت از جمله ایجاد اشتغال تخصصی و افزایش مهارت‌های فنی را به همراه دارد.

با وجود دشواری‌های موجود، چشم‌انداز پیش رو امیدوارکننده است، چه آنکه در سال‌های اخیر چندین طرح جمع‌آوری گازهای همراه در برخی میدان‌ها به بهره‌برداری رسیده و نتایج آن‌ها نشان داده اجرای این پروژه‌ها امکان‌پذیر و اقتصادی است. این تجربه‌ها می‌توانند الگوی عملیاتی مناسبی برای توسعه پروژه‌ها در سایر میدان‌ها باشند. آنچه اکنون اهمیت دارد، تمرکز کامل مدیریتی، هماهنگی میان دستگاه‌ها، تأمین مالی پایدار و استفاده از ظرفیت‌های علمی داخلی است تا فرایند اجرا متوقف نشود و طرح‌ها به صورت مرحله‌ای و قابل سنجش به بهره‌برداری برسند.

اگر مسیر فعلی با جدیت ادامه یابد، می‌توان امیدوار بود مشکل‌های همیشگی عسویه خاموش شوند. چنین آینده‌ای به سود اقتصاد کشور خواهد بود و آرامش محیط زیست و سلامت مردم را تضمین می‌کند و نشان می‌دهد کشور می‌تواند از ظرفیت‌های خود بهره‌برداری صحیح‌انجام دهد. دستیابی به این هدف، نیازمند اراده و برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی میان نهادهای مختلف است تا این سرمایه ملی از هوا به زمین بازگردد و در مسیر توسعه اقتصادی و زیست‌محیطی قرار گیرد.

بدیهی است پیگیری مسائل اقتصادی و مدیریت منابع ملی، علاوه بر اراده قوی، نیازمند توانمندی، دانش تخصصی و پشتکار خستگی‌ناپذیر است. مثلاً مدیر فلان نهاد اقتصادی که با حجم عظیمی از تصمیم‌گیری‌های پیچیده، فشار زمانی و انتظارات عمومی روبه‌رو است، نمی‌تواند بدون صرف انرژی و زمان کافی، موفقیتی پایدار به دست آورد، ساده‌اندیشی خواهد بود اگر کسی فکر کند مثلاً با روزانه شش ساعت حضور در چنین جایگاهی می‌توان موفق بود. پروژه‌هایی که با منابع میلیارد دلاری، زیرساخت‌های پیچیده و مسائل زیست‌محیطی همراه هستند، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، هماهنگی میان بخش‌های مختلف و پیگیری مستمر هستند، ضمناً موفقیت نهایی فقط با اراده رئیس قوه مجریه حاصل نمی‌شود و مدیران میانی، کارشناسان و مسئولان عملیاتی نیز باید با جدیت، پشتکار و هماهنگی کامل در مسیر اجرا پای کار باشند. استمرار تلاش‌ها، بهره‌گیری از ظرفیت علمی و فنی داخلی و برنامه‌ریزی دقیق، تضمین‌کننده دستیابی به اهداف اقتصادی و زیست‌محیطی است.

ادامه از صفحه اول

جمعی از اقتصادخوانده‌ها که ۱۸۰ نفر عنوان شده‌اند، اخیراً از رئیس‌جمهور درخواست کرده‌اند بودجه نهادهای غیرمؤثر را حذف کنند. بدیهی است هر جایی که عملکردی ندارد و بودجه‌الکی می‌گیرد، باید بودجه‌اش حذف شود و این نکته کاملاً درستی است ولی تأکید نباید صرفاً به یک بخش خاص از بودجه باشد که نهایتاً یک‌درصد از منابع بودجه نیز نمی‌شود و اثرگذاری جدی‌ای ندارد، بنابراین نحوه بازتاب این بیانیه در صفحه نخست برخی روزنامه‌های اصلاح‌طلب، بیشتر جنبه نمایشی و سیاسی دارد، چه آنکه از بررسی ریشه‌ای مسائل بودجه‌ای فاصله و وزن کارشناسی موضوع، زیر سایه رویکردهای جناحی قرار می‌گیرد و طبعاً چنین رویکردی کمکی به فهم عمومی نمی‌کند و طرح این ادعا که ریشه بحران بودجه در هزینه چند نهاد محدود خلاصه می‌شود، ساده‌سازی یک موضوع ریشه‌ای است.

بودجه نهادهایی که ظرفیت رسانه‌ای جریان اصلاح‌طلب در تلاش برای حذف آن بازار فشار نامه جمعی از اقتصادخوانده‌هاست، در مقایسه با حجم کل بودجه عمومی ناچیز است و حتی اگر حذف هم شود، اثری جدی بر کنترل کسری ندارد. در مقابل، کاهش اندک در هزینه با رانت نهفته در بخش شرکت‌های دولتی، همان حوزه‌ای که رئیس‌جمهور نیز نسبت به ناکارآمدی آن اعتراض کرده است، چندصد برابر همین مبالغه برای دولت صرفه‌جویی ایجاد می‌کند. با وجود این تفاوت فاحش، جریان موسوم به اصلاح‌طلب ترجیح می‌دهد از کنار مسئله اصلی عبور کند و تمرکز را بر حوزه‌هایی بگذارد که صرفاً کارکرد نمادین دارند.

این جریان، در روایت خود به چرخش فکری جریان‌هایی پناه برده است که سال‌ها نظریه توسعه‌محور بدون رعایت ابعاد اجتماعی را تبلیغ می‌کردند. امروز همان جریان‌ها با ادبیاتی متفاوت ظاهر می‌شوند و بر عدالت‌محوری و هزینه‌های اجتماعی تأکید می‌کنند.

اشاره به این نکته منافی با نیاز به عدالت ندارد، اما نمی‌توان نادیده گرفت که این تغییر مبذوع بودن بازنگری در عملکرد گذشته، بازتاب‌دهنده و راهگشا نیست، چه آنکه نقد بودجه زمانی معتبر است که بر مبنای دقیق اقتصادی استوار باشد. حلقه مفقوده تحلیل این جریان سیاسی، نقشی است که شبکه بانکی و شرکت‌های شبه‌دولتی در ایجاد نابسانایی مالی دارند.

خلق پول بدون نظارت در برخی بانک‌ها، بخش مهمی از تورم مزمن را توضیح می‌دهد اما در گزارش‌های رسانه‌های یادشده، بازتاب نمی‌یابد و ظاهراً تمایلی هم به پرداختن به آن وجود ندارد. در ترکیب هیئت‌مدیره این بانک‌ها و نسبت آن با جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب، مسئله‌ای است که نمی‌توان آن را از معادله کنار گذاشت.

بنیان وضع اقتصادی موجود باز هم طلبکار شدند

اقتصاددانان لیبرال کمونیست بهانه گیر!



اصلی این است که حقوق و مزایای کارکنان دولت آنقدر زیاد شده و سهم غالب را در بودجه گرفته است که دیگر پولی به نهادی نمی‌رسد و نوشتن یک ردیف بودجه به معنای پرداخت آن ردیف بودجه نیست و هر ساله ردیف‌های بسیاری از بودجه که عملکرد صفر یا نزدیک به صفر دارند و خود دولت، سازمان‌ها و ردیف‌های ناکارآمد را در جریان تخصیص بودجه به صورت هوشمند حذف می‌کند و سرودهای الکی صرفاً برای ردیف‌هایی است که می‌آید تا ما دامن‌برود که مشکل اصلی حقوق جاری این دولت با این حجم از کارمندان ناکارآمد است.

در طرف دیگر ماجرا نیز شرکت‌های دولتی و بودجه این شرکت‌ها قرار دارد که دولت بسیار بیشتر از مبلغ عمومی بودجه خود، برای شرکت‌های دولتی بودجه دارد؛ شرکت‌های دولتی که هیچ بخشی از عملکرد آنها بررسی نمی‌شود و به هیچ جایی نیز پاسخگو نیستند، بنابراین مهم‌ترین ناکارآمدی در نهادهای

نیست بلکه در افراد کارمند دولت و شرکت‌های دولتی است. صرف حقوق و دستمزد کارکنان می‌شود و بخش کمی از آن به بودجه عمرانی و زیرساختی تعلق خواهد گرفت که همان میزان نیز عمدتاً تحقق عملکردی ندارد و حدود هزار میلیارد تومان نیز طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، تملک واگذاری‌هایی با اوراق مالی‌ای است که دولت قبلاً فروخته است و حالا باید اصل و سود آن را پس بدهد، بنابراین مسئله

سیت‌های هیئت مدیره شرکت‌هایی که خیلی از همین نام‌نگارها عضو آن هستند، باید یک بار برای همیشه برای بسیاری از شرکت‌های تودر تسو حذف شود تا شاهد

جمع شدن سفره‌های خاص سیاسیون از بودجه مملکت باشیم؛ همان‌هایی که خون مردم را در شیشه کرده‌اند و امروز طلبکارانه سیاهه هم مرقوم می‌فرمایند!

نکته بسیار مهم تر این است که کل بودجه دولت صرف حقوق و دستمزد کارکنان می‌شود و بخش کمی از آن به بودجه عمرانی و زیرساختی تعلق خواهد گرفت که همان میزان نیز عمدتاً تحقق عملکردی ندارد و حدود هزار میلیارد تومان نیز طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، تملک واگذاری‌هایی با اوراق مالی‌ای است که دولت قبلاً فروخته است و حالا باید اصل و سود آن را پس بدهد، بنابراین مسئله

نکته بسیار مهم تر این است که کل بودجه دولت صرف حقوق و دستمزد کارکنان می‌شود و بخش کمی از آن به بودجه عمرانی و زیرساختی تعلق خواهد گرفت که همان میزان نیز عمدتاً تحقق عملکردی ندارد و حدود هزار میلیارد تومان نیز طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، تملک واگذاری‌هایی با اوراق مالی‌ای است که دولت قبلاً فروخته است و حالا باید اصل و سود آن را پس بدهد، بنابراین مسئله

نکته بسیار مهم تر این است که کل بودجه دولت صرف حقوق و دستمزد کارکنان می‌شود و بخش کمی از آن به بودجه عمرانی و زیرساختی تعلق خواهد گرفت که همان میزان نیز عمدتاً تحقق عملکردی ندارد و حدود هزار میلیارد تومان نیز طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، تملک واگذاری‌هایی با اوراق مالی‌ای است که دولت قبلاً فروخته است و حالا باید اصل و سود آن را پس بدهد، بنابراین مسئله

نکته بسیار مهم تر این است که کل بودجه دولت صرف حقوق و دستمزد کارکنان می‌شود و بخش کمی از آن به بودجه عمرانی و زیرساختی تعلق خواهد گرفت که همان میزان نیز عمدتاً تحقق عملکردی ندارد و حدود هزار میلیارد تومان نیز طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، تملک واگذاری‌هایی با اوراق مالی‌ای است که دولت قبلاً فروخته است و حالا باید اصل و سود آن را پس بدهد، بنابراین مسئله

نکته بسیار مهم تر این است که کل بودجه دولت صرف حقوق و دستمزد کارکنان می‌شود و بخش کمی از آن به بودجه عمرانی و زیرساختی تعلق خواهد گرفت که همان میزان نیز عمدتاً تحقق عملکردی ندارد و حدود هزار میلیارد تومان نیز طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، تملک واگذاری‌هایی با اوراق مالی‌ای است که دولت قبلاً فروخته است و حالا باید اصل و سود آن را پس بدهد، بنابراین مسئله

نکته بسیار مهم تر این است که کل بودجه دولت صرف حقوق و دستمزد کارکنان می‌شود و بخش کمی از آن به بودجه عمرانی و زیرساختی تعلق خواهد گرفت که همان میزان نیز عمدتاً تحقق عملکردی ندارد و حدود هزار میلیارد تومان نیز طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، تملک واگذاری‌هایی با اوراق مالی‌ای است که دولت قبلاً فروخته است و حالا باید اصل و سود آن را پس بدهد، بنابراین مسئله

نکته بسیار مهم تر این است که کل بودجه دولت صرف حقوق و دستمزد کارکنان می‌شود و بخش کمی از آن به بودجه عمرانی و زیرساختی تعلق خواهد گرفت که همان میزان نیز عمدتاً تحقق عملکردی ندارد و حدود هزار میلیارد تومان نیز طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، تملک واگذاری‌هایی با اوراق مالی‌ای است که دولت قبلاً فروخته است و حالا باید اصل و سود آن را پس بدهد، بنابراین مسئله

نکته بسیار مهم تر این است که کل بودجه دولت صرف حقوق و دستمزد کارکنان می‌شود و بخش کمی از آن به بودجه عمرانی و زیرساختی تعلق خواهد گرفت که همان میزان نیز عمدتاً تحقق عملکردی ندارد و حدود هزار میلیارد تومان نیز طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، تملک واگذاری‌هایی با اوراق مالی‌ای است که دولت قبلاً فروخته است و حالا باید اصل و سود آن را پس بدهد، بنابراین مسئله

نکته بسیار مهم تر این است که کل بودجه دولت صرف حقوق و دستمزد کارکنان می‌شود و بخش کمی از آن به بودجه عمرانی و زیرساختی تعلق خواهد گرفت که همان میزان نیز عمدتاً تحقق عملکردی ندارد و حدود هزار میلیارد تومان نیز طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، تملک واگذاری‌هایی با اوراق مالی‌ای است که دولت قبلاً فروخته است و حالا باید اصل و سود آن را پس بدهد، بنابراین مسئله

نکته بسیار مهم تر این است که کل بودجه دولت صرف حقوق و دستمزد کارکنان می‌شود و بخش کمی از آن به بودجه عمرانی و زیرساختی تعلق خواهد گرفت که همان میزان نیز عمدتاً تحقق عملکردی ندارد و حدود هزار میلیارد تومان نیز طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، تملک واگذاری‌هایی با اوراق مالی‌ای است که دولت قبلاً فروخته است و حالا باید اصل و سود آن را پس بدهد، بنابراین مسئله

هیچ چیزی از آن تارک خانه شرکت‌های دولتی مشخص نیست و حتی آنقدر وضعیت نامشخص است که اگر به فلان وزیر گفته شود چند شرکت دولتی زیرمجموعه شماست، هیچ جواب درستی نخواهید شنید. همین حالا اگر به سایت‌های هیئت مدیره شرکت‌های زیرمجموعه دولت نگاه کنید، افرادی را پیدا خواهید کرد که چندین سال و در چند دولت مختلف در آن پست مدیریتی بوده‌اند، بدون اینکه حتی یک کلمه پاسخگویی نسبت به عملکردشان در این دوره به دولت داده باشند، برای همین عامل اصلی تورم و کسری بودجه و عدم شفافیت خود دولت است و رئیس دولت نیز صراحتاً بر آن تأکید دارد و مشخص است که مشکل اصلی در نظام بودجه‌ریزی کشور نه نهادهای بلکه افراد به خصوص کارکنان دولت و شرکت‌های دولتی هستند.

اگر دنبال اصلاح رویکرد در قبال نظام بودجه‌ریزی کشور هستیم، اولاً باید حاکمیت شرکتی در بخش شرکت‌های دولتی را شفاف اجرایی کنیم، ثانیاً برای کارمندان دولت نیز حقوق این‌ کارکنان باید مبتنی بر رضایت مردم پرداخت شود و ثالثاً بسیاری از کارمندان دولت را که کاری برای انجام ندارند، بازخرد و بودجه دولت را آزاد کنیم.

برای موضوع پرداخت به کارمند مبتنی بر عملکرد و رضایت مردم، باید مانند یک رائنده اسف، مردم خدمت‌گیرنده از کارمند دولت، به کارمند امتیاز دهند تا اگر کاری مبتنی بر یک ضابطه مشخص و فرایند ثابت جلونرفت و مردم رضایتی از ارائه خدمت کارمند نداشتند، به آن کارمند حقوق پرداخت نشود یا ضریبی بسیار کم در حقوق وی ضرب شود تا بفهمد که خدمت‌گزار به مردم است نه آقا یا خانم بالا سر مردم و به این ترتیب مبتنی بر رضایت مردم و عملکرد متناسب با نیاز مردم، حقوق دریافت خواهد کرد و دیگر قطعی سیستم یا نبودن در وقت‌های خاص را شاهد نخواهیم بود.

در بخش شرکت‌های دولتی نیز مبتنی بر عملکرد و بهره‌وری شرکت‌ها باید پرداختی صورت پذیرد. دلیل جایگزینی کردن بهره‌وری به جای سوددهی هم این است که برخی شرکت‌های دولتی برای این تشکیل شدند که محصولی را با قیمت بالاتر از کشاورز یا جاهای دیگر بخرند و با پایارانه به مردم بفروشند و ذاتاً سودده نیستند ولی فرایند را می‌توانند بهره‌ور مدیریت کنند و برای همه شرکت‌های دولتی این رویکرد مبتنی بر عملکرد و بهره‌وری هر کارمند دولتی باید انجام پذیرد. سیستم‌های هیئت مدیره شرکت‌هایی که خیلی از همین نام‌نگارها عضو آن هستند، باید یک بار برای همیشه برای بسیاری از شرکت‌های تودرتو حذف شود تا شاهد جمع شدن سفره‌های خاص سیاسیون از بودجه مملکت باشیم؛ همان‌هایی که خون مردم را در شیشه کرده‌اند و امروز طلبکارانه سیاهه هم مرقوم می‌فرمایند!

استعدادهای ورزشی بانوان کارگر در کارخانه‌ها و محیط‌های کاری است که پیش از این کمتر دیده شده‌اند. این المپιάد فرصت می‌دهد بانوان ورزشکار، همزمان با فعالیت شغلی خود، در عرصه ورزش حضور یابند و توانمندی‌های‌شان شناخته شود. طاهره شرقی ضمن تقدیر از تلاش‌ها و همراهی تمامی دست‌اندرکاران گفت: برگزاری المپیاد هشتم بانوان کارگر قرار بود به مناسبت روز مادر و هفته زن انجام شود، اما به دلیل آلودگی هوا و ملاحظات ایمنی، این برنامه با اندکی تأخیر مواجه شد.ان‌شاءالله زمان دقیق برگزاری مرحله کشوری و مکان آن در نیمه دوم سال اعلام خواهد شد.

کنند، می‌خواستیم هزاران نفر از بانوان کارگر در سراسر کشور بخشی از این پویش باشند، همچنین مقر دش تیم‌هایی که از استان‌ها به المپیاد اعزام می‌شوند، از بین شرکت‌هایی انتخاب شوند که در این فرایند مشارکت داشته‌اند، این کار فرصت عادلانه‌ای برای حضور همه فراهم می‌کند.

دبیر اجرایی المپیاد ورزش بانوان کارگر نیز در تشریح جزئیات هشتمین دوره این رویداد گفت: هدف اصلی از برگزاری المپیاد، شناسایی

مقایسه‌ای می‌بایست جهت دریافت فهرست مشخصات و سایر اطلاعات مذکور، فرم شرایط شرکت در مزایده و بر گر پیشنهاد قیمت به پایگاه اینترنتی سامانه تدارکات

الکترونیکی دولت به نشانی: www.setadiran.ir مراجعه نمایند. کلیه متقاضیان که قصد شرکت در مزایده را دارند، لازم است نسبت به تهیه توکن از طریق مقتضی اقدام و سپس اسناد مزایده از طریق سامانه مذکور دریافت نمایند.

بدیهی است ارسال هر گونه درخواست یا پیشنهادی خارج از سامانه مذکور پذیرفته نخواهد بود.

تاریخ انتشار آگهی در سامانه ۱۴۰۴/۰۹/۱۶ – مهلت بازدید: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ لغایت ۱۴۰۴/۱۰/۱۴

مهلت ارسال پیشنهاد: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶ لغایت ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ تا ساعت ۱۴ – روز بازگشایی: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ و زمان اعلام برنده: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

مهلت دریافت اسناد از سامانه: تا ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۶

روابط عمومی اداره کل راه و شهرسازی استان لرستان

نشانه آگهی: ۲۰۶۵۶۰۲

ارزش معاملات بازار مشتقه و مالی بورس کالا ۱۴/۴همت شد

روز گذشته در بازار مشتقه و مالی بورس کالای ایران یک میلیارد و ۶۳۷ میلیون قرارداد به ارزش ۱۲ هزار و ۴۳۰ میلیارد تومان منعقد شد.

به گزارش خبرگزاری صداوسیما، در معاملات روز ۱۵ آذرماه بازار گواهی سپرده کالایی، ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار و ۳۹۶ گواهی شمش طلا به ارزش ۳ هزار و ۲۷۸ میلیارد تومان، ۱۸ هزار و ۸۶۰ گواهی شمش نقره به ارزش ۱۲۵ میلیارد تومان، ۷ هزار و ۶۷۹ گواهی سکه به ارزش ۴۴ میلیارد تومان و ۸۰۵ هزار و ۹۲۳ گواهی زعفران به ارزش ۱۲۷ میلیارد تومان معامله شد، همچنین در بازار مشتقه و مالی، یک میلیارد و ۳۲۲ میلیون و ۹۴۸ هزار و ۹۰۵ واحد صندوق کالایی به ارزش ۱۰ هزار و ۷۲۲ میلیارد تومان دادوستد شد. در بازار قراردادهای آتی نیز ۲۳ هزار و ۱۹۰ قرارداد به ارزش ۲۰۹ میلیارد تومان و در بازار اختیار معامله ۸۹۱ هزار و ۷۲۳ قرارداد به ارزش ۱۱۳ میلیارد تومان منعقد شد.

هشدار درباره افزایش پیامک‌های جعلی مسکن

معاونت مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی با ادامه آرسال پیامک‌های جعلی مرتبط با طرح‌های حمایتی مسکن هشدار داد. هشدار داد: خدمات رسمی این طرح‌ها فقط از طریق سامانه سامان و سر شماره معتبر. V.MASKAN ارائه می‌شود.

به گزارش صداوسیما، معاونت مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی با انتشار اطلاعیه‌ای درباره افزایش پیامک‌های جعلی در حوزه طرح‌های حمایتی مسکن هشدار داد. در این اطلاعیه تأکید شد که تنها مرجع رسمی دریافت خدمات، سامانه سامان به نشانی اینترنتی saman.mrud.ir است. به گفته وزارت راه، پیامک‌های معتبر این سامانه منحصر از سر شماره V.MASKAN برای متقاضیان ارسال می‌شود. در روزهای اخیر نمونه‌های متعددی از پیامک‌های تقلبی با عنوان طرح‌های حمایتی گزارش شده است. برخی سؤدجویان با استفاده از این عنوان، لینک‌های مخرب و صفحات جعلی برای سرقت اطلاعات منتشر کرده‌اند.